جشنواره فیلم فجر

سهم سینمای دفاع‌مقدس در فجر ۳۳

۶ فیلم «تا آمدن احمد»، «تگرک و آفتاب»، «حکایت عاشقی»، «مزار شریف»، «بدون مرز» و «ماهی سیاه کوچولو» سهم سینمای دفاع‌مقدس در جشنواره سی‌وسوم فیلم فجر است. به گزارش ایسنا، در این دوره جشنواره فیلم فجر، ۶ فیلم از سینمای دفاع‌مقدس به نمایش در می‌آید که ۴ فیلم در بخش سودای سیمرغ و ۲ فیلم در بخش «نگاه نو» قرار دارد. «تا آمدن احمد» دومین ساخته سینمایی صادق صادق‌دقیقی که فیلم قبلی این کارگردان با عنوان «بزرگ مرد کوچک» در حوزه دفاع‌مقدس ساخته شده بود، درباره یکی از رزمندگان هلال‌احمر در جبهه خوزستان است که قرار بوده روز عروسی خواهرش به جزیره خارک بازگردد. در این فیلم مهدی فقیه، افسر اسدی، پرهام دلدار و بهرام ابراهیمی به ایفای نقش می‌پردازند. «تگرک و آفتاب» هم به کارگردانی رضا کریمی روایت و نگاه تازه‌ای به دفاع‌مقدس دارد. «حکایت عاشقی» نیز به کارگردانی احمد رمضان‌زاده با بازی بهرام رادان، شیلان رحمانی و قطب‌الدین صادقی داستان عشق یک خبرنگار ایرانی به یکی از بازماندگان بمباران شیمیایی حلبچه را روایت می‌کند. همچنین فیلم «مزار شریف» که پس از سال‌ها عبدالحسین برزیده را به جشنواره فیلم فجر آورده است، موضوعش در زمان جنگ تحمیلی اتفاق نمی‌افتد اما روایتی از حمله طالبان به کنسولگری ایران در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ در شهر مزار شریف و شهادت ۸ نفر از دیپلمات‌های ایرانی است که تنها بازمانده این حادثه الله‌مدد شاهسوند راهی سفری ۱۵ کیلومتری با پای پیاده به سمت ایران می‌شود. حسین یاری، مهتاب کرامتی و مسعود رایگان بازیگران اصلی این فیلم هستند. فیلم «بدون مرز» نیز که در بخش فیلم‌های نگاه نو جشنواره قرار دارد، اثری ضدجنگ محسوب می‌شود. این فیلم به کارگردانی امیرحسین عسگری داستان پسری را روایت می‌کند که هر روز برای ماهیگیری به کشتی به گل نشسته‌ای در نقطه صفر مرزی پا می‌گذارد و آنجا را به محلی برای آرامش خود تبدیل کرده اما حضور غریبه‌ای این آرامش را به هم می‌زند. همچنین داستان فیلم «ماهی سیاه کوچولو» اولین فیلم بلند سینمایی مجید اسماعیلی و تنها فیلمی که مریلا زارعی پس از «شیار ۱۴۳» در آن به ایفای نقش پرداخته است، در دهه ۶۰ اتفاق می‌افتد و در خلاصه آن آمده است: «اگر ناگهان پرنده‌ها به پرواز درآمدند، یعنی دشمن پشت بوته‌هاست اما اگر پرنده‌ای پرید شاید پی دانه‌ای می‌رود. جنگجویان خطاکار تنها به پیروزی فکر می‌کنند، پس بدیهی است به سمت هر جنبشی پشت بوته‌ها یورش می‌برند اما جنگجویان خردمند که حواس، درک و عکس‌العمل‌شان را یکپارچه کرده‌اند تفاوت پروازهای دسته جمعی و تنها را می‌دانند. آنها آگاهی بر نشانه‌ها را طی آموختن «آیین دلاوری» زیست کرده و می‌دانند موقعیت پس از پیروزی مهم است نه پیروز شدن.

■■■

تاریخ پیش‌فروش بلیت سی و سومین جشنواره فیلم فجر

پیش‌فروش اینترنتی بلیت‌های سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اواخر دی آغاز می‌شود. به گزارش سینماپرس، مدیر اطلاع‌رسانی و ارتباطات سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر طی گفت‌وگویی اظهار داشت: یکی از برنامه‌ریزی‌ها، درباره زمان پیش‌فروش اینترنتی بلیت‌های جشنواره است که احتمالاً هفته پایانی دی آغاز می‌شود. سیداحد میکائیل‌زاده افزود: با توجه به اعلام اسامی فیلم‌های راه‌یافته به بخش‌های مختلف این دوره از جشنواره فیلم فجر، دیگر موارد براساس برنامه پیش‌بینی شده در دست اقدام است. وی اضافه کرد: علاوه بر بخش مستند، هیأت انتخاب بخش مسابقه سینمای ایران آثار راه‌یافته به بخش «سودای سیمرغ»، «فیلم اولی‌ها» و «هنر تجربه» را پیش از این اعلام کرده بود. جشنواره سی‌وسوم از ۱۲ تا ۲۲ بهمن به دبیری علیرضا رضاداد در تهران برگزار می‌شود.

■■■

شانس حضور «تابو» در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر

فیلم «تابو» به کارگردانی خسرو معصومی این شانس را دارد که در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر حضور یابد. به گزارش مهر، فیلم «تابو» به کارگردانی خسرو معصومی و تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی که فرم حضور در سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را پر کرده بود ولی در فهرست سودای سیمرغ این دوره از جشنواره قرار نگرفت این شانس را دارد که در بخش خارج از مسابقه حضور داشته باشد. در خلاصه داستان فیلم «تابو» آمده است: سالار یکی از ملاکین بانفوذ منطقه هزارجریب، در آرزوی فرزندی تصمیم می‌گیرد برای چهارمین بار ازدواج کند. آق‌عمو که معتاد به مواد مخدر است و در گاوداری صالح مشغول به کار است، می‌پذیرد در ازای پرداخت بدهی که به صالح دارد، دخترش را به عقد برادر صالح (سالار) در بیاورد. بهار که از قبل دل در گرو کسری داشته، در مقابل این پیشنهاد بشدت مخالفت می‌کند. الناز شاکردوست، هادی دیباجی و جمال اجلالی در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با عباس رافعی، کارگردان فیلم «فصل فراموشی فریبا»

فقط ضرغامی دغدغه داعش داشت

عکس‌ها: ابراهیم حیدری، وطن امروز

مرتضی اسماعیل‌دوست: فصل‌ها را که دوره می‌کنی، به فراموشی‌هایی می‌رسی که همچون عکسی سوخته از آلبوم زندگی‌ات به نظر می‌رسد اما این سوختگی از مسیر دلت گذر کرده و تو می‌مانی و سختی‌هایی که در خاطرت جا دارند. آخرین فیلم عباس رافعی اگرچه مورد توجه هیچ گروهی نبود اما حرف‌های او رنگ دیگری داشت که در گفت‌وگوی من با او جاری شد.

***

■ چه شد که بعد از آثاری که در زمینه سینمای مقاومت و انقلاب داشتید، به «فصل فراموشی فریبا» رسیدید؟

من می‌دیدم در چند سال اخیر فیلم‌هایی در جشنواره به نمایش درمی‌آید که یا به دلیل کمبود بودجه یا روشنفکرزدگی، در محیط آپارتمان دنبال می‌شود و با این شرایط نمی‌توانستیم از هویت امروز شهر تهران یا دیگر نقاط ایران در آثارمان استفاده کنیم یعنی اگر با این وضعیت کسی بخواهد چند سال دیگر تصویری را از ایران دهه‌های ۸۰ و ۹۰ داشته باشد، نمی‌تواند سندی پیدا کند. بعد دیدم که چگونه می‌توانم شرایط امروز اقتصادی و مسائل و معضلات شهری را در یک درام قرار دهم. در ابتدا فکر کردم یک مرد راننده را داخل شهر ببرم و از نگاه او به دغدغه‌های خود برسم. بعد دیدم که این ایده کلیشه‌ای است و آن تاکسی تبدیل به وانت باربری شد سپس به این نتیجه رسیدم که اگر به جای مرد، یک زن را وارد ماجرا کنم، به علت آسیب‌پذیر بودن این قشر می‌توان به درام جذاب‌تری رسید.

■ از ابتدا چنین گذشته تاریکی را برای فریبا در نظر داشتید؟

این فیلمنامه توسط آقای علی اصغری نوشته شده بود و فضایی از موقعیت خاص زنی داشت که باید در یک مقطع زمانی مشخص، بدهی‌هایش را بپردازد. فیلمنامه اولیه بعدها کلی تغییر کرد. در آن فیلمنامه خیلی مبهم به زن پرداخته شده بود. بعد که با هم صحبت کردیم، قرار شد این زن یک گذشته تاریکی هم داشته باشد و بخواهد با یک درد و رنجی به تطهیر گذشته ناپاک خود بپردازد. در واقع «فصل فراموشی فریبا» نه‌تنها یک فیلم بی‌اخلاق نیست بلکه در راستای اخلاقگرایی است. یعنی ما می‌بینیم این زن دارد تقاص گذشته خود را پس می‌دهد.

■ فکر نکردید با توجه به حساسیت‌هایی که درباره داستان این زن وجود دارد، امکان دارد با مشکلاتی مواجه شوید؟

ما وارد زندگی گذشته فریبا نمی‌شویم. این زن مانند جوانی است که سوء سابقه دارد و حالا باید از آن گذشته‌اش جدا شود، اما گذشته سیاهی نداشته است. من چون می‌دانستم که خانواده‌ها از این فیلم دیدن خواهند کرد، سعی کردم خیلی آرام و نجیبانه با این کاراکتر برخورد کنم و در فیلمنامه و اجرا به سمتی نروم که مغایر با نگاه اسلامی ما باشد. شاید کسی دیگر این فیلم را می‌ساخت به سمت فضایی دیگر می‌رفت، حتی ما در نمایی که زن می‌خواهد پولش را بگیرد، وارد خانه نمی‌شویم و دوربین در همان حیاط می‌ماند. داستانی که من به‌دنبال ساختش بودم، در توصیف عشق بود. یعنی زنی به دنبال زندگی با شوهری است که موجب آزارش می‌شود. اما درباره حوزه هنری حرف زیاد است. من در زمانی که این دوستان در حال رفتن به مدرسه بودند، در حوزه هنری مسؤول بخش فیلمنامه در واحد تلویزیون بودم که شهید آوینی مسؤولش بود و ما کلی تلاش کردیم به سمت فیلم‌های دینی و معناگرا برویم، حالا دلم می‌سوزد حوزه‌ای را که ما بچه‌مسلمان‌ها درست کردیم، دست افرادی افتاده که روی شاخه نشسته‌اند و دارند شاخه‌ها را می‌بُرند. شما به تولیدات حوزه هنری در این سال‌ها بنگرید، متوجه می‌شوید که بیشترین هزینه‌ها را حوزه هنری دارد می‌پردازد.

■ این مسائل را به‌خاطر ناراحتی از عدم نمایش فیلمتان در سینماهای حوزه مطرح می‌کنید؟

نه! واقعا شما ببینید در این سال‌ها حوزه هنری چه گُلی بر سر سینمای ایران زده است!

■ می‌توانید به طور مصداقی از فیلم‌هایی نام ببرید که نباید در حوزه ساخته می‌شدند یا به فیلم‌هایی اشاره کنید که می‌توانستند به آنها بپردازند؟

حالا برای اینکه من بیشتر برای خودم دشمن‌تراشی نکنم، تنها فیلم‌هایی که باید ساخته می‌شدند را عنوان می‌کنم. مثلا وقتی به مسائلی که در این سال‌ها در منطقه به‌وجود آمده است توجه کنیم، به کدام اثر از حوزه می‌رسیم؟ وقتی سال‌ها پیش یک گروه مسلمان و بچه‌حزب‌اللهی تصمیم گرفتند از مسجد جوادالائمه به سمت سازمانی که هنوز تبلیغات اسلامی نام نگرفته بود، بروند و کارهای ارزنده‌ای درباره ادبیات و سینما را شروع کنند، نیت دیگری داشتند. آنها تلاش‌های زیادی کردند و داستان سوره و ادبیات مقاومت راه‌اندازی شد. من یادم می‌آید که در آن سال‌ها و در جریان عملیات مرصاد، شهید آوینی به من می‌گفت: برو آنجا تا حتما یک فیلمی درباره عملیات مرصاد بسازیم. من در آن شرایط فیلمنامه‌ای به نام «سفر بی‌بازگشت» نوشتم که چاپ شد و جالب است برای‌تان بگویم که در این سال‌ها خیلی‌ها مانند شهریار بحرانی دوست داشتند آن را بسازند و نشد.

■ چرا ساخته نشد؟

نمی‌دانم چه ترسی دارند! من همه تلاشم را کردم که در حوزه یا تلویزیون آن را بسازم. کسانی که آن فیلمنامه را خواندند، می‌گفتند چه سند ماندگاری از آن عملیات هست. شما می‌دانید که هیچ فیلم موثری از مرصاد نداشته‌ایم و به نظر می‌رسد فیلم‌های شبه‌روشنفکرانه خیلی برای آنها مهم‌تر بود. من نمی‌خواهم از جایگاه یک کارگردان، نام هر یک از این فیلم‌ها را ببرم اما با توجه به بودجه‌ای که حوزه هنری داشته است و فیلم‌هایی که در این سال‌ها دیده‌ایم، فقط می‌توانم به آنها بگویم خسته نباشید!

■ شما با چه نگاهی فیلم می‌سازید و فکر می‌کنید چه دینی نسبت به آرمان‌هایتان دارید؟

برای نمونه برای‌تان بگویم که در ۳۰ سالگی انقلاب به ۳ نفر گفتند فیلم‌هایی درباره انقلاب اسلامی ایران بسازید. آقایان منوچهر شاهسواری و حاجی میری و من آن افراد بودیم.

■ که شما فیلم کیمیا و خاک را ساختید.

بله! من عاشقانه رفتم و درباره آدم‌های سال ۵۷ فیلم ساختم. آن ۲ نفر دیگر به من می‌گفتند چرا اینقدر حرص می‌خوری که حتما فیلم را به نمایش درآوری؟ من واقعا به دنبال آرمان‌هایم هستم و فقط که نخواستم فیلمی بسازم.

■ فیلم‌هایی که درباره مقاومت هم ساختید، در راستای همین احساس بوده است؟

بله! من در زمان جنگ سی و سه روزه به لبنانی رفتم که هنوز بوی باروت و خون می‌داد و فیلمی سینمایی ساختم یا فیلمی به نام «بیگانگان» را کارگردانی کردم که خیلی در جهان عرب معروف و در آن کشورها پخش شد اما در ایران فقط در جشنواره فجر به نمایش درآمد و اصلا اکران نشد! من در «بیگانگان» تاریخ فلسطین را از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۰۹ بتدریج نشان می‌دهم که چگونه تبدیل به کشوری کوچک شد و جامعه بشری هم هیچ حرکتی در این باره انجام نداد. این فیلم‌هایی که من ساختم همه براساس ادای دینی بود که برای خودم احساس می‌کردم.

■ حالا هم که درباره گروه داعش، فیلم «آوازهای سرزمین من» را دارید.

راستش من یک روز در راه‌پله‌های جام جم آقای ضرغامی را دیدم و گفتم قبل از اینکه بروی بیا با هم فیلمی درباره داعش بسازیم، چون در ارشاد و حوزه هنری به فکر این چیزها نیستند. ایشان هم گفت برو و فیلمنامه را بنویس و ما این فیلم را در امور بین‌الملل صداوسیما ساختیم. در آن زمان ما پیش‌بینی کردیم که گروه داعش و النصره با هم جدل کنند و کسی فکرش را نمی‌کرد. ما این را در فیلم نشان دادیم و حالا می‌بینیم که این گروه‌ها با هم در حال مبارزه هستند.

■ شرایط ساخت این فیلم چگونه بود؟

بخشی از فیلم را در لبنان ساختیم و بخشی دیگر را هم به علت عدم امکان ساخت در آنجا به لوکیشنی در رباط کریم منتقل کردیم. من فکر می‌کنم برای مردم ما هم خیلی جالب باشد که ببینند این گروه چه کسانی هستند و چه کارهایی انجام می‌دهند و من سعی کردم در این فیلم به آنها اشاره کنم.

■ آرمان واقعی شما در مسیر فیلمسازی چه بوده است؟ و فکر می‌کنید بدان رسیده‌اید؟

باور کنید شاید گفتنش درست نباشد اما وقتی من در مکه بودم، گفتم خدایا به من این قدرت را بده تا بتوانم فیلم‌هایی را بسازم که عزت شیعه را نشان دهد. به نظرم ما در فیلم‌هایمان غفلت زیادی از این بابت داشتیم و من تلاش خودم را در این مسیر کردم.

■ پس چرا آثارتان مورد توجه مخاطبان یا منتقدان قرار نگرفت؟

ما در سینمای ایران شاید حدود ۱۰ هزار نویسنده فیلم داشته باشیم اما فقط ۱۰ نفر به معنای واقعی منتقد باشند. در واقع منتقدان هستند که زوایای مختلف یک اثر را به مردم نشان می‌دهند.

■ همان تعداد منتقد واقعی هم به این فیلم‌ها علاقه‌ای نداشتند!

آن منتقدها هم از منی که فیلم‌هایی درباره جنگ سی‌وسه روزه، فلسطین و انقلاب اسلامی ساخته‌ام، به‌عنوان فیلمساز دولتی و رانت‌خوار یاد می‌کنند و به طور حتم این منتقدان به فیلم‌های من توجهی نخواهند داشت. یکی از فیلمسازان سیاسی به من می‌گفت من هر فیلم مزخرفی هم بسازم، منتقدان از فیلم‌هایم کلی معنا و تفسیر درمی‌آورند! فیلم من منتقدانی ندارد که بیایند و تفسیر کنند که حالا فریبا چه مسیری را طی کرده است. برخی منتقدان در محفل‌های شبانه خود تصمیم می‌گیرند که فیلمسازی را بایکوت کنند یا شخصی دیگر را مورد لطف قرار دهند!

■ شما در این محافل جایی ندارید؟

نمی‌دانم چرا مرا دعوت نمی‌کنند (خنده). به هرحال من نوع زندگی‌ام طوری نبوده که وارد این ماجراها شوم. من به هر قیمتی فیلم نمی‌سازم. یکی از دوستان می‌گفت چرا ما دیگر در فیلم‌ها قهرمان نداریم، من گفتم چون دیگر قهرمان واقعی وجود ندارد و خیلی از افراد در زندگی شخصی خود نیز قهرمان نیستند و در مناسبات اجتماعی خود مانده‌اند و این مسائل به علت شرایط اخلاقی است.

> **وقتی من در مکه بودم، گفتم خدایا به من این قدرت را بده تا بتوانم فیلم‌هایی را بسازم که عزت شیعه را نشان دهد. به نظرم ما در فیلم‌هایمان غفلت زیادی از این بابت داشتیم و من تلاش خودم را در این مسیر کردم**

■ در چه گروه مشخصی می‌توان شما را تعریف کرد؟ شخصی که فیلم جدیدش چنین شرایطی را پیدا کرده است.

برخی از دوستان به من می‌گفتند که ما تو را نمی‌توانیم در هیچ یک از بسته‌های فکری خود حساب کنیم. یعنی همه نوع فیلمی را می‌توان در آثارم پیدا کرد. بعضی‌ها به من حتی عنوان جشنواره‌ای دادند. در صورتی که فیلمی پذیرفته شده در جشنواره شانگهای که جزو فستیوال‌های مهم دنیاست را به‌خاطر همین موضوع شرکت ندادم تا نشان دهم فکر من اصلا به سوی این مسائل نیست و این در حالی بود که در همان زمان برخی‌ها به دنبال مطرح شدن در جشنواره سطح پایین اربیل بودند!

■ فیلمنامه‌های‌تان را دیگر خودتان نمی‌نویسید؟

بیشتر فیلمنامه‌های قبلی را خودم نوشتم اما در این چند کار آخر مانند همین فصل فراموشی فریبا و آزادراه، دادم فیلمنامه‌ها را کسانی دیگر بنویسند.

■ چرا به افراد مطرح و قدرتمندی نمی‌دهید؟

با فرید مصطفوی کاری را نوشتیم که اصلا ساخته نشد. سوژه‌ای جدید داشت که اینجا مجبورم لو بدهم. من آن زمان فکر می‌کردم که ما همیشه درباره فرار مغزها فیلم ساخته‌ایم اما یک مورد هم درباره قرار مغزها چیزی ساخته نشده است. من این طرح را به آقای مصطفوی پیشنهاد دادم و تحقیقات زیادی شد و فیلمنامه‌ای به نام «در غربت» آماده کردیم و چون بودجه بالایی می‌خواست، هرگز ساخته نشد. آن فیلم به نظرم می‌توانست اثری جهانی باشد. متاسفانه باید حتما به جایی مرتبط باشی تا ایده‌هایت مورد توجه قرار گیرد. مثلا اگر من در خانه خودم و با استفاده از دوربین هندی‌کم، فیلمی بی‌ربط بسازم، می‌گویند که این فیلمساز عجب جسارتی داشته است!

■ در فصل فراموشی فریبا چقدر از این ایده‌های درونی شکل گرفت؟

جالب است بدانید ما در فصل فراموشی فریبا، خیلی از نماها را به صورت دوربین مخفی گرفتیم. یعنی برای رسیدن به باورپذیری فیلم، با فاصله در ماشینی دیگر قرار گرفتیم و از خانم ساره بیات خواستیم برود و مثلا از بارفروش‌ها وسایلی بخرد. در دو سکانس هم از افراد واقعی، فیلم‌هایی به‌صورت دوربین مخفی گرفتیم که یکی از آنها خانمی بود که بعد از فهمیدن این موضوع از ما خواست صورتش را نشان ندهیم، ما هم زاویه‌ای از پشت سرش را نشان دادیم.

■ فیلمبرداری در لوکیشنی واقعی مشکل‌ساز نبود؟

ما ۴۰ جلسه فیلمبرداری را پشت سر گذاشتیم که بخش بسیاری از آن در مرکز شهر بود و از طرفی چون می‌خواستیم خیلی واقعی عمل کنیم، حتی از نابازیگر هم استفاده نکردیم و با استفاده از مردم عادی، محیط پیرامون را نشان دادیم. خوشبختانه گریم خانم بیات هم طوری بود که بین مردم در خیابان شناخته نمی‌شد.

■ در فصل فراموشی فریبا به دنبال چه تصویری بودید؟

من تصور می‌کنم که ما آینه تمام‌قدی را روبه‌روی مردم گذاشتیم که خوبی‌ها و بدی‌های‌شان را در این فیلم ببینند و با همه مشکلات، به دنبال امید در زندگی باشند. ما در این فیلم با شخصی مواجهیم که یک گناهی کرده و باید با طی کردن سختی به طهارت برسد. در پایان آن فیلمی که در جشنواره وجود داشت، ابهامی درباره این بود که چرا زن خانه را ترک کرده است، اما حالا در اکران، ما شوهری را می‌بینیم که با توجه به مشکلات جسمانی خود به فریبا می‌گوید برو و ما اینجا به فریبا حق می‌دهیم که برود.

■ امیدواری در پایان فیلم با نگاه فریبا بوده است؟

بله! ما در تصویر نهایی، نمایی امیدوارانه از فریبا را می‌بینیم که با پوشیدن ژاکتی بافته شده در این مدت به سمت روشنی می‌رود و لباس‌هایش در اینجا رنگی از زندگی دارد.

■ به نظرتان فریبا در مسیر طی شده توسط شما به طهارت رسیده است؟

ما در این مسیر، سیر تکوینی فریبا را می‌بینیم که به سمت انسان شدن حرکت می‌کند یعنی باید این شخصیت زخم می‌خورد و در جامعه درگیر می‌شد تا فضا را می‌فهمید. ما در سکانس آخر، نور خوشرنگی را می‌بینیم و فیلم رنگ امیدوارانه‌ای می‌گیرد.

■ چقدر به دیده شدن فیلم در روزهای آتی اکران، امیدوار هستید؟

من آنقدر حال بدی داشتم که مطابق روال قبل از اکران فیلم‌ها، نمایش خصوصی و افتتاحیه برای این فیلم نگذاشتم. واقعا شرایط سینمای ایران مشخص نیست و مسؤولان سینمایی نمی‌دانند که برای دوران کوتاه‌مدت و بلندمدت چه برنامه‌هایی خواهند داشت. در صورتی که در کشورهای دیگر حتی برنامه‌های ۱۰ ساله برای توسعه سینما دارند.

■ فیلم فصل فراموشی فریبا سرگروه سینمایی ندارد؟

نه! اصلا سرگروهی نداریم و آقای صباغ‌زاده که پخش‌کننده فیلم است با حوزه هنری به نتیجه رسیده بود که با سرگروهی سینما استقلال فیلم ما اکران شود اما بعدا نفهمیدیم که چه اتفاقی افتاد!

■ دل پرخونی در این روزها دارید!

این نوع از اکران فیلم فصل فراموشی فریبا، نوعی توقیف محترمانه است! نمی‌دانم هوشمندی این آقایان مسؤول برای اکران چگونه بود که حالا ۲۴ فیلم را با هم در سالن‌ها داریم! حتی ما در ایام جشنواره هم این تعداد فیلم را نداشتیم. به هرحال خانواده‌ها این امکان را ندارند که هر روز به سینما بروند.

■ انگار امیدی به وضعیت فیلم‌تان ندارید.

من فکر می‌کنم فصل فراموشی فریبا توسط ارشاد و حوزه هنری سوخت. آنها به دنبال این بودند که خیلی محترمانه بگویند که آقا کار نکن، برو استراحت کن.

■ این مصاحبه‌ای کامل درباره فعالیت‌های شما شد.

امیدوارم مسؤولی که این مصاحبه را می‌خواند، کمی به خودش رجوع کند و ببیند چکار برای سینمای ایران کرده است! به نظرم هنر انتقال تجربه است و باید این تجربه خوب را به تماشاگر منتقل کرد و نمی‌توان تفکر دمی خوش باش را جانشین آن کرد.

تازه‌ها

«خداحافظی طولانی» از عشق در طبقه کارگری می‌گوید

مرتضی غفوری، فیلمبردار سینما با ۳ فیلم در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر حضور دارد که درباره آنها و همچنین ۲ فیلم دیگرش توضیح می‌دهد. مرتضی غفوری در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اینکه در سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با ۳ فیلم حضور دارد، گفت: «دریا و ماهی پرنده» به کارگردانی مهرداد غفارزاده، «خداحافظی طولانی» به کارگردانی فرزاد موتمن در گروه «هنر و تجربه» و «خانه دختر» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی در بخش «سودای سیمرغ»، ۳ فیلمی است که من در این دوره از جشنواره با آنها حضور دارم البته «خداحافظی طولانی» در بخش «سودای سیمرغ» نیز حضور دارد. وی ادامه داد: البته امسال علاوه بر این فیلم‌ها، «مرواریدهای خلیج‌فارس» به کارگردانی حسین قاسمی‌جامی و «خنده‌های آتوسا» به کارگردانی علیرضا فرید را هم کار کردم. در حال حاضر نیز مشغول فیلمبرداری «گینس» به کارگردانی محسن تنابنده هستم. وی با اشاره به فیلم «خداحافظی طولانی» به کارگردانی فرزاد موتمن بیان کرد: کار با فرزاد موتمن یک تجربه بسیار خوب بود و می‌توان گفت این فیلم مانند «شب‌های روشن» این کارگردان دوست‌داشتنی است. هر ۲ فیلم حال و هوای یکسان و عاشقانه دارند. با این تفاوت که در «شب‌های روشن» عشق بین طبقه روشنفکر جامعه به تصویر کشیده شده بود اما در «خداحافظی طولانی» یک عشق طبقه کارگری را جلوی دوربین برده است.

■■■

جانشین مدیری مشخص شد

سریال فوتبالی «آخرین سلطان» که پیش از این عنوان شده بود در سال ۹۴ به روی آنتن می‌رود، پس از مسائلی که برای سریال مهران مدیری مبنی بر بازنویسی فیلمنامه پیش آمد، بزودی پخشش از شبکه تهران آغاز می‌شود. به گزارش ایسنا، عزیز علیزاده - تهیه‌کننده مجموعه طنز «آخرین سلطان» - توضیحاتی را درباره فشردگی ساخت این مجموعه و همچنین اعلام پخش آن از تلویزیون ارائه داد. وی با بیان این مطلب که تصمیم‌گیرندگان برای پخش مجموعه «آخرین سلطان» مسؤولان تلویزیون هستند، گفت: از ابتدا بنا بود این سریال امسال پخش شود، اما شاید به خاطر «اتاق عمل» مهران مدیری، پخش آن به سال آینده موکول شد اما در نهایت به‌خاطر مساله‌ای که برای سریال مهران مدیری پیش آمد، پخش سریال «آخرین سلطان» را اعلام کردند. تهیه‌کننده «آخرین سلطان» در عین حال اعلام کرد: این مجموعه طنز از همین دی ماه پخش خود را به صورت هر شب از شبکه تهران آغاز خواهد کرد. وی با اشاره به اینکه ساخت «آخرین سلطان» با شتاب طی می‌شود، در عین حال گفت: این مجموعه در حال نگارش است، هر چند مشکلاتی را به دلیل شرایط سختی که دارد، فراهم می‌کند، اما چاره‌ای نیست و ما سعی می‌کنیم کار را هدایت کنیم. علیزاده درباره قصه «آخرین سلطان» که عنوان می‌شد ادامه «سه، پنج، دو» در حوزه فوتبال است، اظهار کرد: این مجموعه ادامه آن سریال نیست. در حوزه فوتبال هر کاری ساخته می‌شود شبیه به هم نمی‌شود و هر سریال قصه خاص خود را دارد. در این سریال در قالب طنز به برخی از کاستی‌های ورزشی پرداخته شده است و شباهت زیادی به قصه «سه، پنج، دو» ندارد. فقط یکی از شخصیت‌هایی که در مجموعه «سه، پنج، دو» بوده است، در این قصه هم حضور دارد؛ به خاطر اینکه یکسری از مشکلات فوتبال را بیان کنیم سعی کردیم از آن شخصیت استفاده کنیم. در خلاصه داستان این مجموعه تلویزیونی آمده است: قباد که در رویاها و توهمات خودش زندگی می‌کند و آرزو دارد که یک‌شبه ره صد ساله را برود و به ستاره‌ای مشهور تبدیل شود، تصمیم می‌گیرد وارد دنیای فوتبال شود. «آخرین سلطان» با نگاهی طنز و شیرین مسائل فوتبال کشورمان را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ در این سریال مانند همه سریال‌هایی که درباره فوتبال ساخته می‌شود، مسائل و مناسبات دنیای حرفه‌ای فوتبال مورد توجه قرار گرفته، اما سعی شده یک قصه مستقل به دور از حواشی فوتبال برای تماشاگران روایت شود.

■■■

اعتراض مدال‌آور کشتی آمریکا به فیلم «فاکس کچر»

هفت هفته از اکران فیلم «فاکس کچر» در سینماهای آمریکا می‌گذرد. فیلمی که نخستین‌بار در جشنواره بین‌المللی فیلم کن به نمایش درآمد و تحسین‌های زیادی را به همراه داشت اما ظاهرا شخصی که فیلم از روی زندگی‌اش ساخته شده اصلا از اثر جدید بنت می‌لر دل خوشی ندارد. مارک شولتز می‌گوید که سال ۲۰۱۲ و قبل از ساخته شدن فیلم به دفتر بنت می‌لر رفته و استوری بوردی که از روی کتابش تهیه شده بود را دیده است. او می‌گوید از می‌لر خواسته تا بحث تعرض در فیلم را مطرح نکند چرا که صحت ندارد اما می‌لر با پافشاری گفته وجود چنین صحنه‌ای در فیلم لازم است تا شخصیت جان دو پون مشخص‌تر شود. حالا با اکران فیلم شولتز بسیار عصبانی شده و از سازندگان فیلم خواسته ذهن‌های مردم را از اتهامات پاک کنند.